

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۲، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۵۳ تا ۱۸۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۳، تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲

(مقاله پژوهشی)

بررسی انتساب اشعار در جنگ اسکندر میرزای تیموری

موسی وصفی قراولخانه^۱، دکتر امید مجد^۲، دکتر محمد رضایی^۳



چکیده

جنگ‌ها، از آن دست نُسخی هستند که به دلیل شمولشان بر اشعار متنوع، بسیار حائز اهمیتند. چنانکه می‌دانیم ذوق ادبی در هر عصری تغییر می‌کند و ممکن است اشعاری که در زمانی مقبول بوده، در ادوار دیگر، چندان مورد اقبال قرار نگیرد. طبیعتاً اینگونه اشعار که مورد پسند عصری نباشد، محکوم به فراموشی است. گاهی حتی نام شاعران هم به تدریج فراموش می‌شود. به نظر می‌رسد جنگ‌ها جان‌پناه امنی برای اینگونه اشعار و شاعرانشان هستند. بنابراین با استفاده از اینگونه منابع می‌توان به نمونه‌هایی از اشعار شاعرانی دست یافت که دیوانشان استنساخ نشده و از میان رفته است و این خود برهان قاطعی بر اهمیت جنگ‌ها است. اما علاوه بر این محاسن، جنگ‌های خطی اشکالاتی هم دارند که حاصل سهو کاتبان آن است که لازم است اصلاح شوند تا محققین و پژوهشگرانی که به آن‌ها رجوع می‌کنند، دچار گمراهی نشوند. از جمله مواردی که ممکن است کاتب در آن دچار اشتباه شده باشد، می‌توان به انتساب اشعار اشاره کرد. چنانکه در جنگ اسکندر میرزای تیموری نیز در چند مورد، اشعاری به غلط به نام شاعران دیگر آمده است که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم. در مقاله حاضر، سعی کردیم که با مراجعه به کتب تذکره و دواوین شاعران، صحت انتساب اشعار را در چهار بخش مورد بررسی قرار دهیم. (۱) اشعاری که در جنگ به نام دو نفر آمده است (۲) دو مسمطی که اجزای آن به نام یازده شاعر نقل شده است (۳) اشعاری که سهواً با عبارت «و ایضاً له» به دیگران منسوب شده است (۴) اشعاری که در منابع مختلف به نام شاعران دیگر آمده است. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند از برخی اشتباهات محققین، پیشگیری کند.

کلیدواژه‌ها: نسخه خطی، جنگ اشعار، اسکندر میرزای تیموری، قرن نهم، انتساب اشعار.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. mosa_vasfi@alum.semnan.ac.ir

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) majdomid@ut.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. Mohamad_rezaie@semnan.ac.ir

مقدمه

جنگ‌ها از این جهت که برگزیده اشعار شاعران اعصار مختلف در آن گردآمده است از اهمیت زیادی برخوردارند. این میراث وزین در برگیرنده صدها نام و هزاران بیت شعر است، که برخی از آن‌ها یا به باد فراموشی سپرده شده‌اند و یا از گزند روزگار جان سالم به در نبرده و تکه و پاره به دست ما رسیده‌اند. خوشبختانه مقالات متعددی از پژوهشگران زمان حاضر درباره اشعار نویافته شاعران در جنگ‌ها و منابع جنبی دیگر نوشته شده است. اما لازم به یادآوری است که صحت انتساب اشعار در این گونه منابع، گاهی بسیار بحث برانگیز خواهد شد؛ چنانکه در ادامه این مقاله به مواردی از این گونه خطاها در جنگ اسکندر میرزای تیموری اشاره خواهیم کرد.

جنگ اسکندر میرزا یک منبع تک نسخه‌ای است که سه کاتب به نام‌های محمد حلوائی، غیاث و ناصر، آن را در سال‌های ۸۱۳ و ۸۱۴ برای اسکندر میرزای تیموری کتابت کرده‌اند و هم اکنون در کتابخانه ملی انگلستان نگهداری می‌شود. این جنگ تا به امروز مورد استفاده بسیاری از محققان و نسخه‌پژوهان قرار گرفته و هرکس با توجه به نیاز خود به آن مراجعه کرده و از آن بهره برده است. اما تا کنون کسی به بررسی صحت انتساب اشعار در این جنگ نپرداخته است.

در هنگام استفاده از نسخ خطی، این نکته نباید مغفول بماند که کاتبان، به دلایل متعددی دچار لغزش می‌شده‌اند. این لغزشهایی که سهواً صورت می‌گیرد، صورت‌ها و دلایل متعددی دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. چنانکه می‌دانیم کاتبان ابتدا اشعار را با جوهر سیاه و قلمی ریز می‌نوشتند و سپس نام شاعر را با رنگ و قلمی دیگر در بالای آن مرقوم می‌کردند. این امر گاهی کاتبان را دچار اشتباه می‌کرد و باعث می‌شد که نام شاعری را به غلط در بالای شعر کس دیگری قرار دهند. این موضوع در این جنگ نیز دیده می‌شود.

۲. کاتب در بخش گزیده اشعار، گاهی اشعاری را دو یا سه بار در صفحات مختلف تکرار کرده است. در این تکرارها گاهی ابیاتی کم یا زیاد شده است و یا گاهی تنها صورت

ضبط شده کلمات تغییر کرده است. در مواردی معدود نیز یک شعر به دو نفر منسوب شده است که یکی از دلایل آن می‌تواند استقاده از منابع مختلف توسط کاتب باشد.

۳. در دو مورد نیز می‌بینیم که هر بند از یک شعر مسمط، به نام شاعری دیگر آمده است. این اشکال به این دلیل به وجود آمده است که ظاهراً کاتب میخواست مصرع‌های ششم را با جوهر قرمز بنویسد تا هر بند از مسمط مشخص باشد؛ اما به جای مصرع‌های ششم که جایشان را خالی گذاشته بود نام شاعری دیگر را نوشته است.

بررسی موارد یادشده، میتواند محققین را از اشتباهات احتمالی در انتساب اشعار، دور کند. در مقاله حاضر به چند مورد از اینگونه اشتباهات که محققان دچار آن شده‌اند، اشاره کرده‌ایم.

پیشینه تحقیق

دربارل بررسی صحت انتساب اشعاری که به دو یا چند شاعر منتسب شده است، می‌تواند به کتاب «گنج بازیافته» محمد دبیرسیاقی اشاره کرد (دبیرسیاقی، ۱۳۳۴: سرآغاز)؛ البته این کتاب، جنگ اسکندر میرزا و اشعار مورد بحث ما را بررسی نمی‌کند. می‌توان گفت تاکنون هیچ محقق‌بی‌بررسی و تحلیل صحت انتساب تمام اشعار جنگ اسکندر میرزای تیموری نپرداخته است؛ اما محققینی هستند که با توجه به نیاز خود به این جنگ مراجعه کرده و بعضاً صحت انتساب اشعار مورد تحقیق خود را بررسی کرده‌اند. از جمله می‌توان به آقای امین ریاحی اشاره کرد که در کتاب خود به بررسی صحت انتساب یکی از اشعار که در جنگ اسکندری به نام سنایی آمده است پرداخته و با توجه به شواهد آن را از سنایی نمی‌داند (رک: ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

روش تحقیق

پس از بررسی متن نسخه جنگ اسکندر میرزای تیموری و مشخص کردن تناقضات در انتساب اشعار، به دواوین، تذکره‌ها و نسخ خطی موجود رجوع کرده و به بررسی صحت انتساب اشعار پرداخته و آن‌ها را مورد کند و کاو قرار دادیم. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی

از نوع کتابخانه‌ای است.

مبانی تحقیق

بی‌شک آثار مکتوب، مهمترین ابزاری هستند که بسیاری از حقایق، از جمله ذوق و سلیقه مردمان یک دوره تاریخی را به مردمان اعصار بعد منعکس می‌کنند. با بررسی آنچه از پیشینیان برجای مانده است می‌توان به بسیاری از مجهولات تاریخی و فرهنگی یک جامعه پاسخ داد و موجبات پیشرفت جامعه کنونی را فراهم کرد. اما آنچه در این باره بسیار حائز اهمیت است، این است که ما مطمئن باشیم آنچه از پیشینیان ما برجای مانده، درست همان چیزی است که ایشان به آن معتقد بوده و آن را نوشته‌اند. دست‌نوشته‌های مختلف از یک اثر ادبی یا تاریخی و بررسی‌های نسخه‌های متعدد از یک کتاب، نشان می‌دهد که یک اثر در اعصار مختلف با دگرگونی‌هایی مواجه می‌شده است که خود معلول برخی علت‌هاست. از مهمترین و عمده دلایل تفاوت نسخه‌ها، کاتبان هستند که طبیعتاً از نظر دانش و دقت در یک سطح نبوده و گاه بر اثر عدم دانش و یا سهل‌انگاری‌هایی دچار لغزش شده‌اند. لذا اندیشمندان هر نسلی می‌کوشیدند تا آثار گذشتگان را به صورتی صحیح در اختیار نسل‌های بعد قرار دهند. یکی از منابعی که بیانگر توجه گذشتگان به عمل تصحیح متون است، کتاب تذکره السامع و المتکلم فی آداب العالم و المتعلم است که بدرالدین ابن جماعه (م ۷۳۳ هـ) در آن گفته است که متعلم باید تصحیح کتاب‌ها را بر مبنای مقابله کردن نسخه‌ها و یا قرائت آن‌ها به نزد استادان و آگاهان خود به سرانجام برساند و اصلاحاتی را که در نسخه انجام می‌دهد در حواشی آن‌ها درج کند و آنچه در متن مورد اشکال است با علائم و نشانه‌های رایج مشخص کند (ر.ک: مایل هروی، ۱۳۷۹: ۳۸۵).

جنگ‌ها یکی از انواع نسخ خطی هستند که بسیار حائز اهمیتند. محمد حسین بن خلف تبریزی در برهان قاطع درباره جنگ چنین می‌نویسد: «به ضم اول شتری را گویند که هنوز او را به زیر بار نکشیده باشند و به معنی کشتی و جهاز بزرگ هم هست و بیاض بزرگ را هم گفته‌اند.» (محمد حسین بن خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ۵۹۲). این لغت در زبان فارسی، معنی اصلی خود را از دست داده و جایگزین معنای مجازی خود و معادل سفینه و از مترادفات

آن شده است، یعنی دفتری که در آن پراکنده‌هایی از نظم و نثر گردآورند (ر.ک: افشار، ۱۳۶۱: ۵۶۹). این واژه از اوایل سده هشتم هجری، در همین معنا به متون فارسی راه یافته و چندین شاهد قطعی کاربرد آن را در آثار فارسی روزگار ایلخانان تأیید می‌کند. اما قدیمترین نمونه‌های کاربرد جُنْگ به معنای اصطلاحی‌اش در اوایل سده نهم هجری دیده می‌شود (ر.ک: بشری، وفایی، ۱۳۹۵: ۸۹). یکی از راه‌های عمده ترویج محسنات شعری در میان ایرانیان، جنگ‌نویسی بوده است. اظهارنظر قاطع در این باب که نوشتن مجموعه‌های اشعار دقیقاً از چه تاریخی شروع شده است و قدمت آن چقدر است کار ساده‌ای نیست، اما با کشف اثر ادبی مونس‌الاحرار فی دقائق الأشعار نوشته محمد بن بدرالدین جاجرمی (که نگارش آن در رمضان ۷۴۱ هـ ق به پایان رسید)، نظر جامعه ادبی به آن جلب شد و از زمان انتشار آن با همت میرصالح طیبی تا این اواخر قدیمی‌ترین گلچین ادبی شناخته شده به زبان فارسی، به شمار می‌رفت. اما اکنون از سفینه تبریز، نوشته ابوالمجد در سال‌های ۷۲۱-۷۳۶ هـ ق چنین بر می‌آید که این کتاب قدیمی‌ترین کتاب از این نوع باشد (ر.ک: عبدالله-اوا، ۱۳۹۱: ۲۵). بنابراین مشخص می‌شود که جنگ‌نویسی در قرن هشتم و نهم رواج کامل داشته است. هرچند در قرن هشتم حملات تیمور خسارات زیادی به بار آورده بود؛ اما تاریخ نشان می‌دهد که پس از آرامش اوضاع در دوران پسران و نوادگان تیمور، عهد جدیدی از هنر و ادبیات در ایران آغاز شد (ر.ک: صفا، ج ۳، ۱، ۱۳۹۰: ۳۸).

در این عصر کتاب‌های زیادی به دست میرزایان یعنی شاهزادگان تیموری نوشته شد. کلمه «میرزا» که تا دیری در ایران به معنی «با سواد» بود، از این تاریخ پیدا شد. چون امیرزادگان تیموری را میرزای می‌خواندند، مثل میرزا شاهرخ، میرزا بایسنقر، میرزا الغ بیگ، اسکندر میرزا و غیرهم، و اتفاقاً همه آن‌ها با سواد و غالباً صاحب ذوق و نویسنده و شاعر بودند، لهذا این کلمه برای صاحبان ذوق و سواد گردید (ر.ک: بهار، ۱۳۹۱: ۱۸۵). اسکندر میرزا پسر معزالدین عمر شیخ نیز که از نوادگان تیمور بود از این قائله مستثنی نیست. آقای نفیسی وی را جزء شاهزادگان درجه دوم برمی‌شرد که حکمرانی مستقل نداشته‌اند و شعر را خوب می‌گفته‌اند (ر.ک: نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۳۲). وی از تاریخ ۸۱۲ هـ ق تا ۸۱۷ هـ ق، در فارس و اصفهان حکومت داشته است (ر.ک: براون، ۱۳۳۹: ۴۵۸) دانشمندان و ادیبان و

عارفان زیادی به دعوت اسکندر میرزا به شیراز آمده بودند. در زمان اسکندر میرزا کار ساختن کتاب‌های معتبر و نفیس خطی ادامه داشت. علاقه اسکندر میرزا به این علوم مختلف موجب شد تا وی دستور دهد جنگی به نظم و نثر از کتب مختلف علمی و ادبی ترتیب دهند و در آن از تمام فنون کتاب‌آرایی بهره ببرند. این جنگ بسیار نفیس هم اکنون در کتابخانه ملی انگلستان نگهداری می‌شود. جنگ اسکندر میرزای تیموری به دلیل قدمت آن که به اوایل قرن نهم برمی‌گردد و هم به دلیل اینکه کاتبان درباری آن را نوشته‌اند بسیار مهم است. این جنگ، نام قریب به چهارصد شاعر را در خود گنجانده و اشعار متنوعی در قالب مختلفی در خود جای داده است که بعضاً اشعار برخی از این شاعران در جای دیگری جز در این جنگ نیامده است. این کتاب در باب صحت ضبط کلمات و ابیات نیز بسیار دقیق و قابل اعتنا است، به طوری که میتوان از آن برای تصحیح برخی از ابیات دیوان‌ها و تذکره‌های دیگر استفاده نمود. اما علاوه بر این محاسن، جنگ‌های خطی اشکالاتی هم دارند که حاصل سهو کاتبان آن است که لازم است اصلاح شود تا پژوهشگران، دچار گمراهی نشوند. از جمله مواردی که ممکن است کاتب در آن دچار اشتباه شده باشد، می‌توان به صحت انتساب اشعار اشاره کرد که ما در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

بحث

بررسی انتساب اشعار در جنگ اسکندر میرزای تیموری

اشعاری که در جنگ به نام دو نفر آمده است:

ما در جنگ اسکندر میرزای تیموری، سی شعر را یافته‌ایم که دست کم در دو موضع از جنگ تکرار شده‌اند که به جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن سی مورد خودداری می‌کنیم. اما آنچه با موضوع این مقاله در ارتباط است اشعاری است که به نام دو شاعر آمده است. در جنگ اسکندر میرزا، پنج شعر وجود دارد که در صفحات مجزاً به نام دو شاعر قید شده است.

شعری با مطلع:

وی امام المتقین داماد پیغمبر تویی

ای امیرالمؤمنین شاه جهان داور تویی

این شعر در صفحه 144v با دوازده بیت، به نام «حمزه کوچک» و در صفحه 303v با بیست و نه بیت، به نام «کسایی» آمده است. نکته قابل توجه آن است که در موضعی که شعر به نام کسایی آمده است، در بیت ما قبل آخر، تخلص شاعر (حمزه کوچک) ذکر شده است. «این قصیده در مجموعه مورخ ۹۴۵ شماره ۱۹۷۶ توپقاپوسرای استانبول نیز به نام کسایی آمده است که معلوم می شود از یک مأخذ نقل کرده اند» (ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

شعری با مطلع:

از سر زلفش ندارم دست تا جان در تن است و خودم^۱ سر در سر آن طره هندو رود
این شعر سه بیت دارد که در صفحه 166v به نام «عبدالکافی» و در صفحه 278v به نام «امین الدین حاجی» آمده.

یک رباعی با مطلع:

گر با غم عشق سازگار آید دل بر مرکب کامها سوار آید دل

این شعر در صفحه 281r به نام «ملک صدرالدین» و در صفحه 281v به نام «سیف الدین باخزری» آمده است و تفاوت های کوچکی با هم دارند. ضمناً این شعر در تذکره عرفات العاشقین و تذکره ریاض العارفین، با تفاوت هایی به نام «سعد الدین حموی» آمده (رک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۲۸) / (رک: هدایت، ۱۳۸۸: ۹۷).

شعری با مطلع:

در عشق تو عافیت حرام است آن را که نه عشق پخت خام است

این شعر در صفحه 329r با پنج بیت، به نام «امیر کرمانی» و در صفحه 331r با هفت بیت، به نام «خاقاتی» آمده است. این شعر در اصل از خاقانی است چنانکه در صفحه 331r نیز تخلص شاعر (خاقانی) در بیت هفتم آمده است. همچنین این شعر در دیوان خاقانی با هشت بیت نقل شده است (رک: خاقانی شروانی، ۱۳۸۲: ۵۷۱).

آقای میرافضلی نیز در کتاب شاعران قدیم کرمان، با اطمینان به جنگ اسکندر میرزا دچار اشتباه شده و این شعر را به نام امیر کرمانی نقل کرده است (رک: میرافضلی، ۱۳۸۶: ۴۱۵).

شعری با مطلع:

تا تورا چشم جان شکار بود
هر که را دل بود فگار بود

این شعر در صفحه 332r با هشت بیت، به نام «خسرو دهلوی» و در صفحه 338v، با سه بیت، به نام «حسن دهلوی» آمده است. این شعر در دیوان امیرخسرو دهلوی، ده بیت دارد (رک: امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۱: ۳۰۷).

چنانکه دیدید، پنج شعر در جُنْگِ اسکندر میرزا وجود دارد که دو بار در جُنْگِ تکرار شده و هر بار به نام یک شاعر آمده است که در پاره‌ای از موارد، همچون نمونه چهارم محققین معاصر ما را نیز به اشتباه انداخته است.

دو مسمّطی که به نام یازده شاعر آمده است

در دو موضع از جُنْگِ، اشعاری دیده می‌شود که تنها پنج مصرع دارند و هر پنج مصرع با یکدیگر هم‌قافیه هستند. با بررسی این ابیات و جست و جو در منابع دیگر برای یافتن صورت کامل آن‌ها این نتیجه حاصل شد که این اشعار پنج مصرعی، در واقع بندهای یک مسمّط هستند که به جای مصرع ششم آن‌ها، نام یک شاعر نوشته شده است.

دلیل این خطا این بوده است که کاتب می‌خواست بیت ششم را که دارای قافیه‌ای مجزاً بوده، با جوهر قرمز بنویسد، اما پس از نوشتن اشعار، فراموش کرده که به عقب برگردد و مصرع ششم را کامل کند، بنابراین بعداً در جای خالی باقی مانده، نام شاعر دیگر را گنجانده‌اند. آن دو مسمّط یکی در صفحه 161r و دیگری در صفحه 162r، آمده است.

مسمّط نخست که در صفحه 161r نقل شده و بندهای آن به نام چهار شاعر آمده است در صفحه ۶۴ از جُنْگِ اشعاری که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره «۷۵۵۳» نگهداری می‌شود به نام «نصیر ادیب» آمده است.

بندهای این مسمّط، در جُنْگِ اسکندر میرزای تیموری به این ترتیب از هم تفکیک شده است:

۱. سه مصرع بدون نام. این سه مصرع در «جُنْگِ ۷۵۵۳» در بند هشتم است.

۲. پنج مصرع به نام شمس الدّین کرمانی. این پنج مصرع در «جُنْگِ ۷۵۵۳» در بند نهم

است.

۳. پنج مصرع به نام روزبهی. این پنج مصرع در «جنگ ۷۵۵۳» در بند دهم است.
 ۴. پنج مصرع به نام مولانا ابوبکر. این پنج مصرع در «جنگ ۷۵۵۳» در بند یازدهم است.
 ۵. هجده مصرع به نام عبدالکافی. این هجده مصرع به صورت کامل آمده و مصرع‌های ششم هر بند با جوهر قرمز نوشته شده است. این ابیات در «جنگ ۷۵۵۳» بندهای دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم هستند.
- مسمط نصیر ادیب، در جنگ اسکندر میرزای تیموری چنین است که در ادامه می‌آید. نکته قابل ذکر اینکه ما مصرع ششم را که در جنگ به جای آن نام شاعری دیگر نوشته شده است، به صورت یک خط تیره داخل قلاب آورده‌ایم و با استفاده از جنگ شماره ۷۵۵۳ مجلس، آن را در پاورقی اصلاح کردیم.

شاد بمانی مدام دیگر^۲ نگردي دژم
[—————]^۳

باده به کف گیر زود زآن بت سیمین صنم
درکش ازو جرعه‌ای چند ز لا و نعم
شمس‌الدین کرمانی

از لب و زلفین خویش شهد ده و مشکبار
طوطی حسنش سپرد بر طرف مرغزار
[—————]^۴

لاله رخ و سیم ساق سرو قد و مه عذار
قامت او همچو سرو بر طرف جویبار
تا به خرامش چو کبک می‌رود از کوهسار
روزبهی

وز رخ چون ماه او زهره نماند عجب
از دل حقّه کشید مهر ز ماه و ذنب
[—————]^۵

آنکه به وقت سخن شهد فشاند ز لب
نوبت هنگام سحر هم چو کف بلعجب
روی نماید چو روز زلف نماید چو شب
مولانا ابوبکر

وز گل و لاله چمن چون رخ گلگون شده است
باغ چولیلی است زان ابر چو مجنون شده است
[—————]^۶

خاصه چو کوهسار و دشت شاهد موزون شده است
قوس قزح در هوا طاق فریدون شده است
دشت ز گلها مگر خازن قارون شده است

عبدالكافی

رقص تموج کند برکه میان مفاک
 غنچه سحرگه زند پیرهن خویش چاک
 جمله شویم از اجل دانکه هم اکنون هلاک
 حوض ز تأثیر باد نقش زره می‌زند
 شکر که ابر بهار خیمه نزه^۹ می‌زند
 نایژه او سرشک بر بد و به می‌زند
 صبح چو گل زرد و لعل ریخت به وقت سحر
 هست به هر شاخسار قطره چو در و گهر
 ابر گهر دار و بار از قطرات مطر
 می‌خورد و از کس چه بیم شادزی از غم چه باک
 وز سر حالت فتد از در هودج به خاک
 به بود ار می‌خوریم با صنم آزی
 شست شهاب از کمان^۸ تیر چو زه می‌زند
 شاخ که اندر هوا بند و گره می‌زند
 میکند از تیر او گلبن پیکان دری^{۱۰}
 حله ده رنگ یافت باغ ز عون مطر
 هست چو یاقوت و کان بر سر لاله در
 شد مگر اندر سخا^{۱۱} چون سخن اشعری

همین اتفاق برای مسمط دوم نیز که در صفحه 162r از جنگ اسکندر میرزای تیموری نقل شده است افتاده و بندهای آن به غلط به نام هفت شاعر مختلف آمده است. این مسمط در تذکره عرفات العاشقین ۳۱۷۴/۵ و در صفحه ۶۴ از جنگ اشعار شماره ۷۵۵۳ به نام «استاد فرخاری» آمده است.

بندهای این مسمط در جنگ اسکندر میرزای تیموری به این ترتیب از هم تفکیک شده است:

۱. ده مصرع به نام استاد فرخاری. این ده مصرع، دو بند نخستین این مسمط.
۲. پنج مصرع به نام بوطاهر. این پنج مصرع در عرفات العاشقین و «جنگ ۷۵۵۳»، بند سوم است.
۳. پنج مصرع به نام محمد عاملی. این پنج مصرع در عرفات العاشقین و «جنگ ۷۵۵۳»، بند چهارم است.
۴. پنج مصرع به نام سلمان‌شاه. این پنج مصرع در عرفات العاشقین و «جنگ ۷۵۵۳»، بند پنجم است.

۵. پنج مصرع به نام ابوالفرید. این پنج مصرع در عرفات العاشقین و «جنگ ۷۵۵۳»، بند ششم است.

۶. پنج مصرع به نام سید فتح الله. این پنج مصرع در عرفات العاشقین و «جنگ ۷۵۵۳»، بند هفتم است.

۷. چهار مصرع به نام سید عضد. این چهار مصرع در عرفات العاشقین و «جنگ ۷۵۵۳»، بند هشتم است.

این مسمط در جنگ اسکندر میرزای تیموری چنین است که در ادامه می‌آید. ما همچون مسمط پیشین که نقل کردیم، مصرع ششم را که در جنگ، به جای آن نام شاعری دیگر نوشته شده است به صورت یک خط تیره داخل قلاب آورده‌ایم و با استفاده از تذکره عرفات العاشقین و جنگ مجلس، آن را در پاورقی اصلاح کردیم.

استاد فرخاری

دستم ز سر زلف تو کوتاه نبودی	جانا اگر تو چهره چون ماه نبودی
کارم همه جز ناله و جز آه نبودی	ور با دل من عشق تو همراه نبودی
بودی که نبودی سر زلفین تو ساحر ^{۱۲}	ور غمزه تو ساحر و جان کاه نبودی
وز عارض تو تیره شده شاخ سمن‌ها	[_____] ^{۱۳}
بر گرد بنا گوش تو از مشک رسن‌ها	آراسته عشق تو جان‌ها و بدن‌ها
[_____] ^{۱۴}	چون قد تو یک سرو نرسته به چمن‌ها

بوطاهر

بوسنده پای تو همه ساله سرانند	در روی تو خلقی متحیر نگرانند
هم سنبل و هم نرگس تو ^{۱۵} جامه درانند	ای جان و جهان از غم تو بی خبرانند
[_____] ^{۱۶}	جان تو که عشاق تو امروز برانند

محمد عاملی

در مدحت او جسم خرد روح پذیر است	آن خواجه که دستش به سخا اصل خطیر است ^{۱۷}
در مغز خرد خاک درش گرد عبیر است	او را نه همانا که در آفاق نظیر است

از بی‌خبری نزد همه خلق خبیر است
 سلمانشاه

در دولت او بخت جوان باز جوان شد
 در مدحت او موی بر اندام زبان شد
 چون او به سخا نادره دور زمان شد

ابوالفرید

ای^{۲۰} چشم ندیده چو تو یک مرد در آفاق
 در وقت سخن فردی و در وقت هنر طاق
 ای گاه لطف کبر نهاده همه بر طاق
 سید فتح الله

پیران جهان سرمه انصاف کشیدند
 هر چند که بسیار در آفاق دویدند
 در باغ صفای تو جهانی بجمیدند
 سید عضد

تا هست جهان نام تو در دهر علم باد
 شادیت فزون از همه اندوه تو کم باد
 بدخواه تو از حادثه چرخ دژم باد
 بدخواه تو پرورده اندوه عدم باد^{۲۴}

اشعاری که سهواً با عبارت «و ایضاً له» به دیگران منسوب شده است

می‌دانیم که در بیشتر نسخه‌های خطی، کاتبان ابتدا متن اشعار را می‌نوشتند و سپس نام شاعران را در بالای آن قید می‌کردند. همچنین می‌دانیم که کاتبان وقتی از یک شاعر چند شعر نقل می‌کردند، تنها بر روی شعر نخست نام شاعر را می‌نوشتند و از شعر دوم به بعد از عباراتی چون «و ایضاً له» استفاده می‌کردند.

حال به مواردی از جنگ اسکندر میرزا اشاره می‌کنیم که کاتب محل آغاز اشعار شاعران را فراموش کرده و در جایی که شعر شاعری جدید آغاز می‌شود به جای نام شاعر از عباراتی چون «و ایضاً له» بهره برده است که موجب می‌شود خواننده گمان کند که تمام آن

اشعار از همان شاعر پیشین است. این فراموش کاری موجب شده است برخی محققین نیز در انتساب اشعار به اشتباه بیفتند.

۱. اشعار بساطی از صفحه 274r آغاز شده و عبارات «و ایضاً له» تا صفحه 277r ادامه دارد. در نگاه اول به نظر می‌رسد که ۲۳ غزل و ۱ ترکیب بند از بساطی نقل شده، اما وقتی به تخلص اشعار توجه می‌کنیم متوجه می‌شویم که تنها ۱۰ غزل نخست از بساطی است. ۱۲ غزل با تخلص «قوام»، یک غزل با تخلص «فتحی» و یک ترکیب بند با تخلص «حسینی» آمده است.

۲. اشعار امیر کرمانی از صفحه 328r آغاز شده و عبارات «و ایضاً له» تا صفحه 329r ادامه دارد و در نگاه اول به نظر می‌رسد که ۱۰ غزل از میرکرمانی نقل شده است. اما اگر به تخلص اشعار دقت کنیم، متوجه می‌شویم که دو غزل پایانی، بر خلاف غزل‌های پیشین، تخلص ندارند. با جست و جو در منابع دیگر دریافتیم که غزل نهم در صفحه ۱۶۹ر، از نسخه خطی مونس الاحرار (شماره ۴۹۲۰۵)، به نام «ملک الشعرا و الافاضل ظهیرالدین» آمده است. آقای میرافضلی نیز بدون اشاره به آن منبع، این غزل را با استناد به همین جنگ اسکندر میرزای تیموری در کتاب شاعران قدیم کرمان، به نام میر کرمانی نقل کرده‌اند (رک: میرافضلی، ۱۳۸۶: ۴۲۳). همچنین غزل دهم، متعلق به خاقانی است که در صفحه 331r از همین جنگ، به نام خاقانی و با تخلص او آمده است و در دیوان خاقانی نیز وجود دارد (رک: خاقانی شروانی، ۱۳۸۲: ۵۷۱). آقای میرافضلی این غزل را نیز به غلط تنها با استناد به همین جنگ اسکندر میرزا در کتاب شاعران قدیم کرمان، به نام میرکرمانی نقل کرده‌اند (رک: میرافضلی، ۱۳۸۶: ۴۱۵).

۳. اشعار خواجه سلمان [ساوجی] از صفحه 324r آغاز شده و ظاهراً ۱۷ غزل به نام او آمده است. اما با بررسی تخلص اشعار در می‌یابیم که تخلص شاعر در آخرین غزل، به «عماد» تغییر کرده است. بنابراین غزل آخر از سلمان نیست بلکه از عماد فقیه کرمانی است که اشعارش پس از اشعار سلمان آمده است.

۴. در صفحه 330v ظاهراً چهار غزل، به نام سید جلال [عضد یزدی]، آمده است. اما با بررسی تخلص شاعر، می‌بینیم که تخلص غزل چهارم، «خاقانی» است. بنابراین غزل آخر از

سید جلال نیست بلکه از خاقانی است که اشعارش پس از اشعار سید جلال آمده است و کاتب مانند نمونه پیشین یک غزل دیرتر نام او را نوشته است.

اشعاری که در منابع مختلف به نام شاعران دیگر آمده است

تاکنون به مواردی از خطای کاتبان اشاره کردیم که آن موارد تنها با مطالعه متن جنگ اسکندر میرزا نیز قابل شناسایی بود.

اما گذشته از آن‌ها در جنگ اسکندر میرزا بیش از شصت شعر در قوالب مختلف وجود دارد که آن اشعار در منابع مختلف به نام شاعران دیگری آمده است. در بسیاری از موارد فهمیدن اینکه کدام انتساب صحیح‌تر است، دشوار می‌نماید. در ادامه به برخی از این اشعار در چند دسته بندی اشاره می‌کنیم و مصرع نخست آن‌ها را به همراه نام شاعرانشان در جنگ اسکندر میرزا و دیگر منابع می‌آوریم.

۱. اشعاری که قطعاً از شاعر دیگری است و اشتهاً به نام کس دیگری آمده است.

ص 144v: یک قصیده به نام کسایی آمده است.

مطلع: ای دل بگوی منقبت مرتضی علی
 زیرا که هست در خور مدح و ثنا
 علی

محمدامین ریاحی این شعر را از کسایی نمی‌داند (رک: ریاحی، ۱۳۷۵: ۱۳۰). این شعر متعلق به یکی از شعرای سده هفتم، به نام «سعید هروی» است، که در چند منبع دیگر به نام او و با تخلص «سعید» نقل شده است. از جمله در انیس الخلوه و جلیس السلوه تألیف مسافرن ناصر الملطوی، تألیف حدود سال ۸۰۰ هـ ق (مسافرن ناصر الملطوی، ۱۳۹۰: ۳۳پ) دیگر در جنگ عبدالکریم مداح تألیف شده در ۸۴۹ هـ ق. (رک: عبدالکریم مداح، ۱۳۹۰: ۲۲۴-۲۲۶).

ص 151r: یک قطعه به نام خلف سعد آمده است.

مطلع:

کلک تو مرغیست شگرف لطیف
 از شبه منقارش و از سیم سر

این ابیات مربوط به قصیده‌ای از دیوان امیر معزی است (رک: امیر معزی، ۱۳۱۸: ۳۱۸).

ص 152v: یک قطعه به نام عمید الدین کمالی آمده است.

مطلع:

هم ملک را جمالی هم فضل را کمالی
هم داد را ثباتی^{۲۵} هم جود را بقایی
این شعر ابیاتی از قصیده فرخی سیستانی است که در دیوان فرخی آمده است (ر.ک:
فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۳۶۲).

ص 166r: یک قطعه به نام قصار امی آمده است.

مطلع:

ساقی به آبگینه شامی درون فکن
یاقوت رنگ باده لعل عبیر بوی
این شعر در دیوان عسجدی، آمده است (عسجدی مروزی، ۱۳۳۴: ۳۴). همچنین در
عرفات العاشقین به نام عسجدی دیده شد (ر.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۶۲۳).

ص 166r: دو بیت به نام صایغ رازی آمده است.

مطلع:

آن روشنی که چون به پیاله فرو چکد
گویی عقیق سرخ به لؤلؤ فرو چکید
این دو بیت، ابیاتی از قصیده‌ی کسایی است که در دیوان وی با دوازده بیت آمده است.
(ر.ک: ریاحی، ۱۳۷۵: ۷۷-۷۹)

ص 163r: یک قطعه دو بیتی به نام مولانا سعدالدین آمده است.

مطلع:

هوا معطر و مجلس بهشت و ساقی حور
شراب در سر و خود را خراب می بینم
این دو بیت از یک غزل ده بیتی است که در دیوان نزاری قهستانی آمده است (ر.ک:
نزاری قهستانی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۳۶).

ص 253v: یک قصیده به نام اوحد ماء مراغی آمده است.

مطلع:

دل برده‌ای جانان ما گر جان بری فرمان تو را
از تو وفا کردن خطا^{۲۷} وز من جفا کردن خطا

این شعر در دیوان امیر معزی، تحت عنوان «در مدح عمر بن فخرالدین بن زین المعالی» آمده (رک: امیر معزی، ۱۳۱۸: ۵۰).

ص 280r: یک قصیده به نام فریدالدین اسفراینی آمده است.

مطلع:

خوشا عاشقی خاصه وقت جوانی خوشا با پری چهرگان زندگانی

این ابیات در دیوان فرید اصفهانی نبود. ما آن را در دیوان فرخی سیستانی یافتیم که در مدح سلطان مسعود سروده بود (رک: فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۳۹۲).

ص 285r: یک رباعی به نام اتابک زنگی آمده است.

مطلع:

دی چشم تو راه سحر مطلق می زد روی تو ره گنبد ازرق می زد

این رباعی در دیوان «ظهیر فاریابی» آمده است (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۶۴). نیز در نزه المجالس به نام ظهیر فاریابی ثبت است (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۳۷۴).

۲. اشعاری که در منابع مختلف به نام چند نفر آمده و صحّت انتساب آنها مشکوک است.

ص 143r: یک غزل به نام سراج الدین قمری آمده است.

مطلع:

ای طره‌های خوبان از نافه تو بویی هژده هزار عالم در عرصه تو گویی

این شعر اگرچه در دیوان سراج الدین قمری ثبت است (رک: سراج الدین قمری، ۱۳۶۵: ۸۲) اما در دیوان ادیب صابر نیز آمده است (رک: ادیب صابر ترمذی، ۱۳۸۵: ۴۹۸) / (ادیب صابر ترمذی، بی تا: ۵۰۷). در تذکره هفت اقلیم نیز منسوب به ادیب صابر است (رک: امین احمد رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۰۰).

ص 149v: دو بیت شعر به نام فرید الدین احوال آمده است.

مطلع:

چون شد نهفته رایت سلطان زنگبار عالم گرفت بر تو خورشید زرنگار

این شعر که در دیوان فرید اصفهانی نبود، در تذکره عرفات، به نام «سراج الدین علای بلخی» آمده است (ر.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۱۷).

ص 146v: یک رباعی به نام **رییس محمود** آمده است.

مطلع:

جز حادثه هرگز طلبم کس نکند / یک پرسش گرم جز تبم کس نکند

این رباعی، بدون هیچ تفاوتی در دیوان رودکی، آمده است (ر.ک: رودکی سمرقندی، ۱۳۷۳: ۱۱۹). استناد آقای نفیسی به نسخه خطی «ریاض الجنه»، تألیف محمد حسن بن عبدالرسول حسینی زنوزی از دانشمندان قرن سیزدهم و کتاب «آثار ابو عبدالله رودکی»، نشریات دولتی تاجیکستان، استالین آباد ۱۹۶۸، است.

ص 162v: دو بیت به نام **بهاء بغدادی** آمده است.

مطلع:

مرا اگر تو ندانی عطاردم داند / که من کی ام ز سر کلک من چه کار آید

این قطعه در منابع مختلف به نام چند نفر دیده شد. (۱) در بخش قطعات دیوان خاقانی با سه بیت آمده است (خاقانی شروانی، ۱۳۸۲: ۸۸۱). (۲) در سفینه تبریز به نام «ظہیر فاریابی» با همین دو بیت دیده شد (ر.ک: جلال پور، ۱۳۹۴: ۹۸). (۳) در جُنْگ سعد الدین الهی، به نام «شرف الدین مقبل»، با سه بیت آمده است (ر.ک: سعد الهی: گ ۱۰۱).

ص 162v: یک غزل به نام **عایشه مقریه** آمده است.

مطلع:

ز بس گل که در باغ ماوی گرفت / جهان رنگ ارتنگ مانی گرفت

این شعر در عرفات العاشقین و زنان سخنور به نام رابعه آمده است (ر.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۴۶۵) / (ر.ک: مشیر سلیمی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۲۰۱)؛ اما در مونس الاحرار، به نام عایشه مقریه ثبت است (ر.ک: محمد بن بدر جاجرمی، دست نویس شماره ۱۳۳۶۸: ۸۹).

ص 159r سه بیت به نام **روزبه ختنی** آمده است.

مطلع:

امیر سید می خواست، مطربان بنشانند
 به سوی رگ زدن آهنگ] [۲۶
 این شعر در عرفات العاشقین، به نام «شهاب‌الدین ابی رجاء الغزنوی» آمده است (ر.ک:
 اوحدی بلیانی: ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۲).

ص 166v: یک قطعه به نام **خواجه رشید الدین** آمده است.

مطلع:

سال‌ها خاطر مرا ز نشاط
 هیچ پروای قیل و قال نبود
 این شعر در دیوان ابن یمین آمده است (ابن یمین، ۱۳۱۸: ۵۸). حال آنکه در عرفات
 العاشقین به نام **خواجه رشید الدین همدانی** (ر.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۴۸۲) و در
 «جنگ ۹۰۰» به نام **خواجه ابرهیم خواجه رشید** ثبت است (ر.ک: جنگ ۹۰۰: ۴۹۶). نیز در
 روضه الناظر، به نام **شمس درود** (؟) دیده شد (ر.ک: عبدالعزیز الکاشی: ۱۹۷ پ).

ص 166v: یک قطعه سه بیتی به نام **ظهیر الدین جدید** آمده است.

مطلع:

عیسی به رهی دید یکی کشته فکنده
 حیران شد و بگرفت به دندان سر انگشت
 این شعر با سه بیت در «جنگ ۹۰۰» به نام **ناصر خسرو قبادیانی** آمده است (ر.ک: جنگ
 ۹۰۰: ۲۸۷) و در هر دو چاپ دیوان ناصر خسرو، با پنج بیت نقل گردیده (ر.ک: ناصر خسرو
 قبادیانی، ۱۳۷۱: ۵۱۹) / (ر.ک: ناصر خسرو قبادیانی، ۱۳۸۷: ۵۲۴). همچنین در دیوان
 رودکی، با استناد به «دشیشه کبیر، لغت فرس اسدی (چاپ عباس اقبال و نیز چاپ دبیر
 سیاقی) و آثار ابو عبدالله رودکی نشریات دولتی تاجیکستان»، آمده است (ر.ک: رودکی
 سمرقندی، ۱۳۷۳: ۷۳).

ص 163r: یک قطعه به نام **صفی الدین خواری** آمده است.

مطلع:

اگر ملازم خاک در کسی باشی
 چو آستانه ندیم خسیت باید بود
 این شعر در منابع مختلف به نام چند شاعر آمده:

۱) در عرفات و «سفینه ۶۵۱»، به نام ناصر خسرو آمده است (ر.ک: اوحدی بلیانی ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۸۳) / (ر.ک: سفینه شماره ۶۵۱: گ ۳۰۶)؛ اما در هیچکدام از دیوان‌های ناصر خسرو دیده نشد.

۲) بیت نخست این شعر در فرهنگ دهخدا ذیل واژه «آستانه»، به نام ابن یمین آمده است، اما در دیوان او تنها بیت سوم جُنْگ، در یک قطعه ۱۴ ابیتی، دیده می‌شود (ر.ک: ابن یمین، ۱۳۱۸: ۵۶).

۳) در کلیات سعدی نیز به نام سعدی ثبت است (ر.ک: مصلح الدین سعدی، ۱۳۸۵: ۱۰۷۷).

۴) همچنین در ص ۴۹۰ از «جنگ ۹۰۰»، تحت عنوان «لغیره» آمده است.

ص 281v: یک رباعی به نام **شیخ روزبهان بقلی** آمده است.

مطلع:

هنگام سپیده دم خروس سحری دانی که چرا همی کند جلوه‌گری
«این رباعی در نسخه خطی کمبریج (۶۰۴هـ.ق) و در نسخه خطی متعلق به پروفیسور رُزن آلمانی (۷۲۱هـ.ق) به خیام منسوب است. با این حال برخی آن را از خیام نمی‌دانند.» (ر.ک: اسدی خماسی، مهوش؛ ۱۳۸۴: ۱۴۵). این شعر در کتاب طریخانه به نام خیام آمده است (ر.ک: رشیدی تبریزی، ۱۳۶۷: ۴۱) و در کتاب سخنان منظوم شیخ ابوسعید، به نام ابوسعید ابوالخیر نقل گردیده (ر.ک: ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۹۲)؛ همچنین این رباعی در تذکره عرفات العاشقین به نام «شیخ رباعی مشهدی» آمده است (ر.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۱۶۲).

ص 285v: یک رباعی به نام **زهرای دیوانه** آمده است.

مطلع:

مه بر طبقی گرفته کین روی من است بر شب گره‌ای فکنده کان موی من است
این رباعی با تفاوتی در نزهه المجالس به نام «ادیب صابر» آمده است (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۴۲۴)، اما در هیچکدام از چاپ‌های دیوان ادیب صابر نبود. همچنین در

تذکره عرفات العاشقین و تذکره مجمع الفصحا به نام «ابوالفرج رونی» آمده است (رک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۷) / (رک: هدایت، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۹۰). اما در موضعی دیگر از عرفات العاشقین و نیز در تذکره هفت اقلیم، به نام «شیخ رباعی» ثبت است (رک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۱۶۲) / (رک: امین احمد رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۳۴). این رباعی در کتاب سخنان منظوم ابوسعید نیز دیده شد (خیام، ۱۳۷۲: ۱۴).

ص 281v: یک رباعی به نام **شیخ نجم الدین** آمده است.

مطلع:

مرغی دیدم نشسته بر خشک زمین
نه کفر نه اسلام نه دنیا و نه دین
این رباعی در دیوان خیام آمده است (رک: خیام، ۱۳۷۲: ۱۰۶). اما در تاریخ حبیب السیر خواندمیر، و به تبع آن در هفت اقلیم، به نام شاه سنجان نقل شده است (رک: امین احمد رازی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷۰۳).

ص 286v: یک رباعی به نام **صدرالدین خجندی** آمده است.

مطلع:

خود را به حیل درافکنم مست آنجا
تا بنگرم آن جان و جهان هست آنجا
این رباعی در بخش رباعیات کلیات شمس تبریزی دیده شد (رک: مولوی بلخی، ۱۳۷۶: ۱۳۱۵). این رباعی در منابع دیگری نیز بدون ذکر نام شاعر آمده است: در نزه المجالس، تحت عنوان «آخر» (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۶۲۹) و در جُنگ ۹۰۰، تحت عنوان «لا يعرف لقایله» آمده است (رک: جُنگ ۹۰۰: ۵۲۴). در عَبر العاشقین روزبهان نیز آمده، اما در آنجا نیز خبری از نام شاعر نیست (رک: روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ۸۶).

۳. اشعاری که احتمال سرقت ادبی در آنها وجود دارد. ۷.

ص 146v: یک قصیده به نام **عبدالواسع جبلی** آمده است.

مطلع:

منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا
وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

این قصیده در دیوان سنایی نیز آمده است (رک: سنایی غزنوی، ۱۳۸۸: ۴۸). مدرس رضوی معتقد است که اسلوب این قصیده نشان می‌دهد این شعر از سنایی نیست و دلیل دیگر او این است که این قصیده در تمام نسخه‌های دیوان جبلی آمده است، اما در بعضی نسخ دیوان سنایی نیست (رک: همانجا).

اما محققان دیگری آن را از سنایی دانسته و با دلایلی آن را یک سرقت ادبی از جانب جبلی می‌دانند (رک: شریفی صحری، ۱۳۹۰: ۸۵-۱۰۶). در نسخه خطی سفینه روضه الناظر نیز همین ابیات با دو بیت بیشتر، به نام سنایی آمده است (رک: عبدالعزیز الکاشی: ۱۹۸پ) ص 153v: یک قطعه به نام عثمان مختاری آمده است.

مطلع:

کیوان سخطی مهر اثری چرخ محلی باران حشمی ابر کفی بحر نوالی
این شعر که در جُنگ، پنج بیت دارد، با ۲۴ بیت در تذکره دولتشاه سمرقندی و عرفات به نام «مظفر هروی» در مدح ملک معزالدین حسین کرت (۷۳۲-۷۷۷) آمده است (رک: دولتشاه سمرقندی، ۱۳۱۸: ۲۶۴) / (رک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۹۴۴). اما ما این ابیات را در بخش اضافات دیوان امیر معزی یافتیم (رک: امیر معزی، ۱۳۱۸: ۸۲۵). مصحح این کتاب معتقد است که این قصیده، بی شک از امیر معزی است، زیرا در بعضی از نسخ دیوان امیر معزی موجود است و یکی از ابیاتش را صاحب المعجم به نام امیر معزی آورده است. همچنین مصحح در نسخه‌ای از منتخبات دیوان معزی به تاریخ کتابت ۷۱۳-۷۱۴ آن را یافته و مینویسد: «چون کتابت آن نسخه مدتها قبل از شروع امارت امیر معزالدین کرت و شاید شهرت مظفر هروی است دیگر شکی در تعلق آن به معزی نمی‌ماند» (رک: دیوان معزی: ۱۳۱۸: ۸۲۴)، لذا مصحح احتمال سرقت ادبی را مطرح می‌کند.

۴. اشعاری که به دلیل تشابه اسمی و یا همنامی شاعران، به نام چند شاعر آمده است.

ص 233v: یک غزل به نام کمال الدین کاشی آمده است.

مطلع:

آبی کنجاست کآتش هجرم جگر بسوخت وین برق جان‌گداز همه خشک و تر بسوخت

این غزل در دیوان کمال خجندی آمده است (ر.ک: کمال‌الدین خجندی، ۱۳۷۷: ۲۷). این خلط احتمالاً به دلیل همنامی دو شاعر است. ظاهراً انتساب این شعر به کمال کاشی صحیح‌تر می‌نماید.

ص 252r: یک غزل به نام **شیخ جنید واعظ** آمده است.

مطلع:

جانا بیا که بی تو دلم را قرار نیست
بیشم مجال صبر و سر انتظار نیست
این شعر در کلیات عبید زاکانی، آمده است (ر.ک: عبید زاکانی، ۱۳۷۹: ۶۷). این دو نام دارای شباهت آوایی است.

ص 281r: یک رباعی به نام **ملک صدرالدین** آمده است.

مطلع:

گر در غم هجر سازگار آید دل
بر مرکب کامها سوار آید دل
این شعر در تذکره عرفات العاشقین و کتاب ریاض العارفین، به نام سعد الدین حموی آمده است (ر.ک: اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۲۸) / (ر.ک: هدایت، ۱۳۸۱: ۱۶۲). این دو نام تقریباً شباهت آوایی دارند.

ص 322r: یک قصیده به نام **اثیر اومانی** آمده است.

مطلع:

ز میان ببرد ناگه دل من بتی شکر لب
به دو رخ برادر مه به دو زلف نایب شب
این شعر به جز ابیات ۳ و ۴، در دیوان اثیر آخسیکتی آمده است (ر.ک: اثیر آخسیکتی، ۱۳۳۷: ۳۲۶). البته بیت نخست این شعر با استناد به جنگ اسکندر میرزا، در بخش ابیات منسوب دیوان اثیر اومانی، آمده است (ر.ک: اثیر اومانی، ۱۳۹۰: ۵۹۹).

نمونه‌هایی بسیاری در جنگ اسکندر میرزای تیموری وجود دارد که ذکر آنها در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. اما با توجه به نمونه‌هایی که در بالا آوردیم، چنین دریافت می‌شود که خطا در انتساب اشعار در کتاب‌هایی همچون سفینه‌ها و جنگ‌ها بسیار زیاد است و نیاز به بررسی دقیق دارد. از این میان صحت انتساب اشعاری که در قالب رباعی سروده شده‌اند

بیشتر از قوالب دیگر مورد تردید است و دلیل آن شاید نداشتن تخلص و یک سانی وزن و محتوای شعر باشد. البته دیدیم که برخی ابیات از اشعار شاعرانی که دیوانشان به دست ما رسیده است نیز به نام افراد دیگری ثبت شده است. دلیل این خطا می‌تواند سهل‌انگاری کاتبان در هنگام ثبت نام شاعران و یا استفاده از منابعی باشد که از نظر دقت و امانتداری ضعیف عمل کرده و کاتبان نیز خطای آنان را تکرار کرده‌اند.

از جمله موارد دیگری که کاتبان را دچار اشتباه کرده است، همانمی و یا شباهت اسمی دو شاعر بوده است، این مورد نیز می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که احتمالاً کسی اشعار و نام شاعران را برای کاتب می‌خوانده و او نیز می‌نوشته است، لذا در این بین برخی اسامی را که شباهت آوایی با هم داشته‌اند، با هم خلط کرده است. از جمله میتوان به شعری اشاره کرد که در این جنگ به نام «جئید» آمده است، حال آنکه ما آن را در دیوان «عبید» یافتیم؛ نیز از جمله مواردی که همانمی شاعران این مسئله را به وجود آورده است می‌توان به شعر اثر اومانی و اثیر آخسیکتی و یا اشعار حسن متکلم و حسن کاشی و امثالهم اشاره کرد. گذشته از این موارد اشعاری را نیز دیدیم که گوینده آن اشعار به طور دقیق مشخص نیست، لذا در منابع مختلف به نام شاعران مختلف دیده می‌شود. سرقت ادبی نیز از جمله مواردی بود که موجب شده یک شعر به نام دو نفر ثبت شود و ما به آن اشاره کردیم.

نتیجه

غرض از نگارش این مقاله، بررسی صحت انتساب اشعار در جنگ اسکندر میرزای تیموری بود. با توجه به مطالب ارائه شده دریافتیم که کاتبان جنگ اسکندر میرزا به دلایل متعددی، در انتساب اشعار دچار لغزش شده‌اند و این جنگ در این زمینه اشکالاتی دارد که بعضاً محققین و پژوهشگران را نیز به خطا افکنده است. چنانکه نمایانده شد، بیشتر اشتباهات کاتبان، سهوی و بر اثر شباهت‌دگی در نوشتن نام شاعران در بالای اشعار بوده است. چنانکه در مواردی می‌بینیم با وجود آمدن تخلص شاعر در انتهای شعر، نام شاعر دیگری در بالای آن قید شده است و یا مسمط‌هایی را یافتیم که به جای بیت ششم در هر بند، نام یک شاعر دیگر نوشته شده است. این اشتباهات قطعاً بدین دلیل رخ داده است که کاتب در ابتدا اشعار را می‌نوشته و سپس خود او و یا کاتبی دیگر برمی‌گشته و نام شاعر را بر روی اشعار

قید می‌کرده است. مضاف بر این موارد، اشعار زیاد دیگری در مقاله ذکر شده که نام شاعر آن‌ها در جُنگ اسکندر میرزا با منابع دیگر متفاوت بوده است. دلیل این تفاوت می‌تواند به منابع کاتبان جُنگ اسکندر میرزا مربوط باشد. بنابراین با توجه به حجم زیاد اینگونه اشعار ضروری به نظر می‌رسد که محققین و پژوهشگران از آن‌ها آگاه باشند تا به اشتباه دچار نشوند.

تعلیقات (پی‌نوشت)

۱. در جُنگ اسکندر میرزا همچنان است.
۲. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/ «بیش».
۳. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/ «آنکه ز رویش خجل گشت گل احمری».
۴. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/ «تا ز دل و جان کند از دل و جان غم بری».
۵. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/ «عطر نماید ز خلق چون گلبرگ طری».
۶. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/ «گوهر و دینار از آن می‌کشد و شُستری».
۷. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/ «و».
۸. جُنگ اسکندر میرزا: «کمال». تصحیح بر اساس «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/.
۹. جُنگ اسکندر میرزا: «بره». تصحیح بر اساس «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۶/.
۱۰. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۷/ «پیکان کری».
۱۱. «جنگِ ۷۵۵۳» ۶۷/ «سحاب».
۱۲. این مصرع در نسخه با جوهر قرمز نوشته شده است.
۱۳. در جُنگ اسکندر میرزا، مصرع اول از قلم افتاده است. در عرفات ۳۱۷۳/۵ چنین است: «ای بر گلت از عنبر پر تاب شکن‌ها» در «جُنگ ۷۵۵۳» ۶۲/ نیز چنین است: «ای در گلت از عنبر با تاب شکن‌ها»

۱۴. در عرفات ۳۱۷۳/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲ چنین است: «نادیده چو تو دیده ایام مفاخر»
۱۵. عرفات ۳۱۷۳/۵: «نرگس هم».
۱۶. عرفات ۳۱۷۳/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲: «کز تو گله‌ها سفته فرستند به یاور»
۱۷. عرفات ۳۱۷۳/۵: «به سخا ابر مطیر است».
۱۸. عرفات ۳۱۷/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲۴: «زان همّت او را نتوان یافت به خاطر»
۱۹. عرفات ۳۱۷۴/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲: «هستند ازو اهل زمانه همه شاکر».
۲۰. «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۴: «این».
۲۱. عرفات ۳۱۷۴/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲: «زانست همه ساله تو را میل به زایر».
۲۲. عرفات: ۳۱۷۴/۵: «هرجا که رسیدند مدیح تو شنیدند».
۲۳. در عرفات ۳۱۷۳/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲ چنین است: «زیرا که سخا بود تو را مهر و فاخر (۴)».
۲۴. در عرفات ۳۱۷۴/۵ و «جنگ ۷۵۵۳» / ۶۲، بیت بعدی چنین است: «چونان که تویی مقبل، فرزند تو هم باد/ تا خاک مساکن بود و باد مسافر»
۲۵. جنگ اسکندر میرزا: «ثنائی». تصحیح بر اساس دیوان فرخی / ۳۶۲.
۲۶. این کلمات در نسخه محو شده است. احتمالاً چنین بوده: «به سوی رگ زدن آهنگ [کرد و رگ زن خواند]». در عرفات ۵۲/۱ چنین است: «به بر گرفتن خون قصد کرد و رگ زن خواند».
۲۷. دیوان امیر معزی / ۵۲: «عطا».

- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۹). **تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین** (۸جلد)، به تصحیح دکتر ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- براون، ادوارد (۱۳۳۹) **از سعدی تا جامی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- بهار، محمد تقی (۱۳۹۱) **سبک شناسی** (۳جلد)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تربیت، محمد علی (بی تا) **دانشمندان آذربایجان**، چاپ دوم، تبریز: انتشارات بنیاد کتابخانه فردوسی.
- جمال خلیل شروانی (۱۳۷۵) **نزهه المجالس**، به تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات علمی.
- حمویه، سعدالدین (۱۳۸۹) **المصباح فی التصوف**، به تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات مولی.
- خاقانی شروانی (۱۳۸۲) **دیوان**، به تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: انتشارات زوار.
- خیام، حکیم عمر (۱۳۷۲) **دیوان رباعیات**، به اهتمام محمد علی فروغی و قاسم غنی، تهران: انتشارات عارف.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۳۴) **گنج بازیافته**، تهران: انتشارات حیدریه.
- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۱۸) **تذکره الشعراء**، به تصحیح ادوارد براون، لیدن: انتشارات بریل.
- دهخدا، علی اکبر، **فرهنگ لغت**.
- رشیدی تبریزی، یاراحمد بن حسین (۱۳۶۷) **رباعیات خیام (طربخانه)**، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: نشر هما.
- رودکی سمرقندی (۱۳۷۳) **دیوان**، براساس نسخه سعید نفیسی و ی_ براگینسکی، تهران: انتشارات نگاه.

- روزبهان بقلی شیرازی (۱۳۶۶) *عبر العاشقین*، به تصحیح هنری کربن و محمد معین، تهران: انتشارات منوچهری.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۷۵) *کسای مروزی (زندگی، اندیشه و شعر او)*، تهران: انتشارات علمی.
- سراج الدین قمری (۱۳۶۵) *دیوان*، به کوشش یدالله شکری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلمان ساوجی (۱۳۶۷) *دیوان*، به اهتمام منصور مشفق، انتشارات صفی علیشاه.
- سنایی غزنوی (۱۳۸۸) *دیوان*، به سعی و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۹۰) *تاریخ ادبیات در ایران؛ (پنج جلد در هشت مجلد)*؛ انتشارات فردوس.
- ظهیر فاریابی (۱۳۸۱) *دیوان*، به تصحیح امیرحسن یزدگردی، به اهتمام اصغر دادبه، تهران: انتشارات قطره.
- عبدالکریم مداح (۱۳۹۰) *تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی (جنگ عبدالکریم مداح، مورخ ۸۴۹)*، به کوشش امینه محلّاتی، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عبید زاکانی (۱۳۷۹) *دیوان*، تصحیح پرویز اتابکی، تهران: انتشارات زوار.
- عراقی، شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی (۱۳۶۲) *کلیات دیوان*، با مقدمه ناصر هیری، تهران: انتشارات گلشائی.
- _____ (بی تا) *کلیات دیوان*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات سنائی.
- عسجدی مروزی، ابوالمظفر عبدالعزیز بن منصور (۱۳۳۴) *دیوان*، تصحیح شهاب طاهری، انتشارات طهوری.
- عوفی، محمد (۱۳۲۱) *لباب الالباب*، به تصحیح ادوارد براون، لیدن: انتشارات بریل.
- فرّخی سیستانی (۱۳۳۵) *دیوان*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، نشر شرکت نسبی حاج محمد

- حسین اقبال و شرکاء.
- فرید اصفهانی (۱۳۸۱) دیوان به تصحیح محسن کیانی، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کمال الدین خجندی (۱۳۳۷) دیوان، به تصحیح عزیز دولت آبادی، تهران: انتشارات کتابفروشی تهران.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹) تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محمد حسین بن خلف تبریزی (۱۳۴۲) برهان قاطع، جلد دوم، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: انتشارات کتابفروشی ابن سینا.
- محمود بن محمود بن علی الحسنی (۱۳۹۵) انیس الوحده و جلیس الخلوه، به تصحیح مجتبی مطهری، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مدبری، محمود (۱۳۷۰) شاعران بی‌دیوان، تهران: انتشارات پانوس.
- مرقی کاشانی، افضل الدین محمد (بابا افضل) (۱۳۵۱) دیوان، مقابله و تصحیح مصطفی فیضی، حسن عاطفی، عباس بهمنیا، علی شریف، کاشان: انتشارات اداره فرهنگ و هنر کاشان.
- مسافر بن ناصر الملطوی (۱۳۹۰) انیس الخلوه و جلیس السلوه، نسخه برگردان دستنویس شماره ۱۶۷۰ کتابخانه ایاصوفیه، به کوشش افشین وفاپی و ارحام مرادی، تهران: نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مشیر سلیمی، علی اکبر (۱۳۳۵) زنان سخنور (۲جلد)، تهران: انتشارات علمی.
- مصلح الدین سعدی (۱۳۸۵) کلیات سعدی، به تصحیح محمد علی فروغی، تهران: انتشارات هرمس.
- مولوی بلخی، جلال الدین محمد (۱۳۷۶) کلیات شمس، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- مهستی گنجوی (۱۳۴۷) دیوان، تصحیح: شهاب طاهری، چاپ سوم، تهران، تهران: انتشارات

- ابن سینا.
- _____ (۱۹۸۵) دیوان رباعیات، تصحیح رافائیل حسینف، باکو: انتشارات یازیچی.
- میرافضلی، سید علی (۱۳۸۶) شاعران قدیم کرمان، کرمان: نشر کازرونیه.
- _____ (۱۳۹۴) جنگ رباعی، تهران: انتشارات سخن.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۷۱) دیوان، به تصحیح مینوی، مجتبی و محقق، مهدی، جلد اول، انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل.
- _____ (۱۳۸۷) دیوان، به اهتمام سید نصرالله تقوی، تهران: انتشارات معین.
- نزاری قهستانی (۱۳۷۱) دیوان، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران: انتشارات علمی.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۸) تذکره ریاض العارفین، به تصحیح نصرت الله فروهر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۱) تذکره مجمع الفصحاء (۶جلد)، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقالات

- اسدی، مهوش، بهار (۱۳۸۴) تحلیل یک رباعی حکیم عمر خیام، مجله فرهنگ، شماره ۵۳ و ۵۴، صص ۱۴۵-۱۵۲.
- افشار، ایرج (۱۳۶۱) جنگ چینی یا سفینه ایلانی (پوسی)، ماهنامه آینده، سال هشتم، شماره ۹، صص ۴۷۹-۴۹۰.
- بشری، محمد، جواد و افشین وفایی (۱۳۹۵) نگاهی به چند سفینه و جنگ ادبی پدید آمده در آناتولیتا پایان سده نهم هجری، نامه بهارستان، بهار و تابستان، ویژه نامه مطالعات آسیای صغیر، سال پانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۰)، صص ۸۷-۱۲۲.
- جلال پور، حسین، بهار (۱۳۹۴) دیوان ظهیر فاریابی در سفینه تبریز، متن شناسی ادب فارسی دانشگاه سمنان (علمی پژوهشی)، دوره جدید، شماره ۱، (پیاپی ۲۵)، صص ۹۳-۱۱۴.

- سُروری، امید، پاییز و زمستان (۱۳۹۳) قصیده‌ای از ابوالمعالی نصرالله منشی، مجله ادب فارسی، شماره ۱۴، صص ۱۱۵-۱۲۴.
- شریفی صحی، محسن و پورخالقی چترودی، مه‌دخت، زمستان ۱۳۹۰، سرقت ادبی عبدالواسع جبلی از دیوان سنایی، جستارهای ادبی (مجله علمی-پژوهشی)، شماره ۱۷۵، صص ۸۵-۱۰۶.
- عبدالله‌اوا؛ فیروزه (۱۳۹۱) سفینه چیست؟، ترجمه زینب پیری، مجله گزارش میراث، شماره ۵۴ و ۵۵، صص ۲۲-۳۱.
- نُسخ خطی
- جُنْگ اسکندر میرزای تیموری، کتابخانه ملی انگلستان به شماره ۲۷۲۶۱:
http://www.bl.uk/manuscripts/Viewer.aspx?ref=add_ms_27261
- جُنْگ اشعار، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دست نویس شماره ۷۵۵۳.
- جُنْگ اشعار، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دست نویس شماره ۹۰۰.
- سعد الهی، سفینه، مجلس سنا، دستنویس شماره ۵۳۴.
- سفینه اشعار، کتابخانه مجلس سنا، دستنویس شماره ۶۵۱.
- عبدالعزیز الکاظمی، سفینه روضه‌الناظر و نزهه‌الخاطر، نسخه خطی (قرن هشتم)، دست نویس شماره ۷۷۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، ۳۰۷ برگ، فیلم شماره ۲۴۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- محمد بن بدر جاجرمی، تذکره مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار (۲ جلد)، کتابخانه مجلس شورای ملی، دست‌نویس شماره ۱۳۳۶۷ و ۱۳۳۶۸.
- _____، تذکره مونس‌الاحرار فی دقایق‌الاشعار، کتابخانه مجلس شورای ملی، دستنویس شماره ۴۹۲۰۵.

Study of Poem Attribution in Anthology of Eskandar Mirza Timury

Musa Wasfi Qaravolkhaneh¹, Dr. Omid Majd², Dr. Mohammad Rezaei³

Abstract

Anthologies are very important because of the variety of poems. As it is known, literary taste changes in every century, and poem that was popular at a time may not be much appreciated at another time. Certainly, these poems will be forgotten, and sometimes even the names of their poets are gradually forgotten. Anthology seems to be a safe place to preserve these poems and the names of their poets. Thus, by using them, one could find examples of poem from poets whose diwans have not been transcribed and have disappeared. This shows the importance of Anthologies. In addition to these advantages, manuscript anthologies have some drawbacks that need to be corrected so that researchers who refer to them do not go astray. Assigning of poem to a poet is of the things that an author may mistake. As in the book of Eskandar Mirza Timury, in a few cases, some poems mistakenly referred to other poets which we have discussed in this paper. In the present paper, we have examined the correctness of assigning poems in four sections. 1) Poems which is attributed to two different poets in the anthology 2) Two poems in the form of a MOSAMMAT whose components are quoted to eleven poets 3) poems mistakenly attributed to others by the phrase of "again from him" 4) Poems that have been attributed to other poets in various sources.

Key Words: Manuscript – Anthology – Eskandar Mirza Timury – 9th Century – Poem Attributing

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran. mosa_vasfi@alum.semnan.ac.ir

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. (Responsible Author) majdomid@ut.ac.ir

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran. Mohammad_rezaie@semnan.ac.ir